



مقدمه

هم‌زمان با لغو تحریم‌های بین‌المللی علیه ایران و احتمال بازگشت ایران به بازار جهانی انرژی، یکی از مسائلی که به ویژه مایه نگرانی روس‌ها گردید، تبعات این بازگشت برای روسیه بود. وقوع بحران اوکراین و کاهش شدید قیمت نفت در دو سال اخیر، عملاً قدرت مانور روسیه برای بهره‌برداری از سلاح انرژی در برابر مهمترین شریک اقتصادی خود یعنی اتحادیه اروپا را شدیداً کاهش داده است. به همین دلیل روس‌ها نگران این هستند که با ورود بازیگران جدید به بازار انرژی اروپا عملاً فضا برای این کشور بیش از پیش سخت‌تر شود.

سفر اخیر رئیس‌جمهور کرواسی و وزیر امور خارجه اوکراین به ایران که طی آنها تفاهم‌هایی میان دو طرف برای انتقال انرژی صورت گرفت، به این نگرانی در روسیه - حدائق در برخی از محافل این کشور - دامن زده و مجدداً این موضوع که نوع بازی جمهوری اسلامی ایران در این زمینه چه تبعاتی برای روسیه و یا روابط دو جانبه دو کشور خواهد داشت

مورد ارزیابی قرار گرفته است. در این زمینه در هفته‌های اخیر دو نفر از کارشناسان مؤسسه تحقیقات استراتژیک روسیه در گزارش‌های جداگانه‌ای نسبت به تمایلات جمهوری اسلامی ایران برای ورود به بازار انرژی اروپا واکنش نشان داده و دیدگاه‌های مختلفی در این زمینه مطرح کرده‌اند. آقای رافائل نینکیف در گزارشی تحت عنوان "روسیه و جاه‌طلبی ایران در حوزه انرژی؛ بیشتر چالش، کمتر تهدید" بر این موضوع تأکید می‌کند که بازدید مقامات عالی رتبه اوکراین و کرواسی از تهران و مذاکرات آنها در مورد موافقتنامه‌های گازی محتمل در آینده، می‌تواند به عنوان یک پرچم قرمز برای روسیه تفسیر شود و به همین دلیل نیاز به تجزیه و تحلیل جدی دارد. نویسنده معتقد است که اگرچه نمی‌توان این اقدامات را گام‌هایی به سوی غربی شدن ایران تلقی کرد، اما چشم‌انداز از دست رفتن بازارهای اروپا برای روسیه و اقتصاد این کشور نیز نباید مورد غفلت قرار بگیرد. نویسنده با واقع‌بینی می‌پذیرد که پس از ده سال تحریم‌های شدید، نمی‌توان انتظار داشت که ایران نسبت به هرگونه فرصتی برای ارتقای توانمندی

به کرواسی، لیتوانی، لهستان و یا حتی اوکراین دارد. به اعتقاد نویسنده اگرچه در بدو امر به نظر نمی‌رسد که دولت ایران به اقدامی علیه منافع انرژی روسیه دست بزند، اما با توجه به شکاف در حال گسترش میان نخبگان ایرانی، این امر تعجب برانگیز نخواهد بود. از دیدگاه نویسنده با وجود همکاری ایران و روسیه در موضوعاتی مانند سوریه و انرژی هسته‌ای، هنوز بخشی از نخبگان ایرانی آن‌گونه که تصور می‌شود نگاه مطلوبی به روسیه ندارند و ممکن است روابط با غرب تک قطبی را به روابط با شرق چند قطبی اولویت بدهند.

نویسنده با تقسیم‌بندی نخبگان ایرانی به میانه‌روهای طرفدار غرب و محافظه‌کاران مورد حمایت رهبری، تلاش ایران برای تبدیل شدن به مهمترین رقیب روسیه در بازار انرژی اروپا را نمونه‌ای از تأثیر این شکاف بر سیاست خارجی ایران می‌داند. از نظر نویسنده اگر ایران مسیر رهبری را دنبال می‌کرد، اینگونه پر سر و صدا به حوزه نفوذ سنتی روسیه حداقل در میانه همکاری دو کشور در موضوع سوریه، وارد نمی‌شد. این مسئله نشان می‌دهد که آقای روحانی عملاً نفوذ مستقلی بر دولت دارد. از دیدگاه نویسنده این موضوع آشکار است که میانه‌روهای طرفدار غرب تلاش می‌کنند تا از طریق ایجاد ظرفیت صدور LNG در مقیاس وسیع برای صدور گاز به اروپا بین ایران و روسیه جدایی بیاندازند. نویسنده احداث ترمینال‌های پرهزینه LNG در کشورهای کوچک و فقیری مانند لیتوانی، لهستان و کرواسی را بخشی از ژئوپلیتیک انرژی آمریکا برای مقابله با دیپلماسی انرژی روسیه می‌داند و معتقد است که آمریکا در حال حاضر پروژه‌های متعددی از جمله پروژه انتقال گاز جمهوری آذربایجان به ترکیه و

اقتصادی خود حساس نباشد و از این‌رو این اقدامات را نباید "خنجر از پشت" یک شریک استراتژیک روسیه تلقی کرد. با این حال نویسنده معتقد است که به رغم اظهار تمایل بسیاری از مقامات و کارشناسان دو کشور برای ارتقای سطح روابط به سطح استراتژیک، هیچگونه گام عملی از سوی ایران برای این مسئله برداشته نشده است. از دیدگاه آقای ینیکیف تردیدی نیست که ایران یک رقیب جدی برای اهداف روسیه در بازار جهانی انرژی است و در این معنا تلاش ایران برای تعقیب منافع ملی خود چالشی برای روسیه خواهد بود. با این حال نویسنده به رهبران روسیه توصیه می‌کند که تمایل ایران برای حضور بیشتر در برخی کشورهایی که حیاط خلوت روسیه محسوب می‌شوند را مورد توجه قرار دهند.

در گزارش دیگری در همین مجموعه، یکی دیگر از کارشناسان مؤسسه تحقیقات استراتژیک روسیه با اشاره به اظهارات رئیس جمهوری ایران پس از دیدار با رئیس جمهور کرواسی و وزیر امور خارجه اوکراین مبنی بر اعلام آمادگی برای همکاری در زمینه انرژی با هر دو کشور، می‌نویسد موضوعی که این دو دیدار را به یکدیگر پیوند می‌زند، تلاش کرواسی برای احداث یک ترمینال LNG در جزیره کرک و تمایل اوکراین برای متصل کردن شبکه انرژی خود به لهستان و یا لیتوانی است که هر دو بخشی از اهداف بلند مدت آمریکا برای متنوع‌سازی منابع عرضه انرژی اروپا بدون حضور روسیه محسوب می‌شوند. وی معتقد است که ایران به عنوان دارنده بزرگترین منابع گاز جهان و تنها کشوری که به طور واقعی ظرفیت رقابت با روسیه را دارد، برای این هدف بسیار مناسب به نظر می‌رسد و به همین دلیل آمریکا منافع استراتژیک گسترده‌ای در تشویق ایران به صدور LNG



ایتالیا و پروژه انتقال گاز اسرائیل به یونان را در این زمینه دنبال می‌کند. اما به اعتقاد نویسندگان منابع گاز در این مناطق کفاف تقاضای اروپا را نمی‌دهد و به همین دلیل گاز ایران می‌تواند در این زمینه نقش تکمیل‌کننده داشته باشد. البته نویسندگان می‌پذیرد که ظرفیت‌های داخلی ایران برای بر عهده گرفتن چنین نقشی در حال حاضر نیاز به نوسازی گسترده دارند که این امر خود مستلزم سرمایه‌گذاری‌های کلان می‌باشد. با این حال به اعتقاد نویسندگان اهداف استراتژیک آمریکا در این زمینه آنقدر بزرگ هستند که می‌تواند در یک دهه آینده شرایط را تغییر دهد، البته با این فرض که در صحنه سیاست ایران جریان‌ها میان‌رو طرفدار غرب همچنان قدرت را در اختیار داشته باشند.

ارزیابی:

نگرانی‌های تحلیل‌گران روسی از حضور ایران در بازار انرژی اروپا در حالی صورت می‌گیرد که اولاً این کشور در سال‌های اخیر حضور خود را در شرق آسیا افزایش داده و عملاً به یکی از بزرگترین عرضه‌کنندگان انرژی به چین تبدیل شده است و ثانیاً ظرفیت‌های داخلی ایران برای رسیدن به این مرحله همان‌گونه که ذکر شد به سرمایه‌گذاری‌های کلانی نیاز دارد که محقق شدن آن بسیار مبهم است. به نظر می‌رسد نگرانی تحلیل‌گران روس عمدتاً ناشی از دو سوء برداشت می‌باشد؛ اول سوء برداشت نسبت به تغییرات ماهوی در روابط ایران و غرب و دوم سوء برداشت نسبت به اهداف ایران در مورد حضور در بازار انرژی اروپا. به نظر می‌رسد منظور مقام‌های ایرانی در مورد همکاری با کشورهایمانند کرواسی و اوکراین در زمینه انرژی بیش از گاز معطوف به نفت باشد.

